

نویسنده : جان جی. میرشا یمر «John J. Mearsheimer» 

منبع و تاریخ نشر: هندو پُست «23-06-2023».

برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» . [126]

## تاریکی پیش رو: جایی که جنگ اوکراین به آنجا می‌رود

**The Darkness Ahead :Where The Ukraine War Is  
Headed**

این مقاله به بررسی مسیر احتمالی اوکراین در حال حرکت رو به جلو  
می‌پردازد

**This paper examines the likely trajectory of the  
Ukraine war moving forward.**



از راست به چپ: ولادیمیر پوتین؛ ولادیمیر زلنسکی و جو بایدن

\*\*\*\*\*

من به دو سوال اصلی می پردازم.

**اول**، آیا توافق صلح معنادار ممکن است؟ پاسخ من منفی است، ما اکنون در جنگی هستیم که هر دو طرف - اوکراین و غرب در یک طرف و روسیه از طرف دیگر - یکدیگر را به عنوان یک تهدید وجودی می بینند که باید شکست بخورد. با توجه به اهداف حداکثری در سراسر جهان، دستیا بی به یک معاهده صلح قابل اجرا تقریباً غیرممکن است. علاوه بر این، دو طرف اختلافات آشتی ناپذیری در مورد سرزمین و رابطه اوکراین با غرب دارند. بهترین نتیجه ممکن یک درگیری منجمد است که به راحتی می تواند به یک جنگ داغ تبدیل شود. بدترین نتیجه ممکن یک جنگ هسته ای است که بعید است اما نمی توان آن را رد کرد.

**دوم** اینکه کدام طرف احتمالاً در جنگ پیروز می شود؟ روسیه در نهایت در این جنگ پیروز خواهد شد، اگرچه اوکراین را قاطعانه شکست نخواهد داد. به عبارت دیگر، قرار نیست تمام اوکراین را که برای رسیدن به سه هدف مسکو ضروری است، فتح کند: **سرنگونی رژیم**، **غیرنظامی کردن کشور** و **قطع روابط امنیتی کیف با غرب**. اما در نهایت بخش وسیعی از خاک اوکراین را ضمیمه می کند و در عین حال اوکراین را به یک کشور ناکارآمد تبدیل می کند. به عبارت دیگر، روسیه یک پیروزی زشت به دست خواهد آورد.

قبل از اینکه مستقیماً به این مسائل پردازم، سه نکته مقدماتی لازم است. برای شروع، من سعی می کنم آینده را پیش بینی کنم، که انجام آن آسان نیست، با توجه به اینکه ما در دنیای نامشخصی زندگی می کنیم. بنابراین، من استدلال نمی کنم که حقیقت را دارم. در واقع، ممکن است برخی از ادعاهای من اشتباه باشد. علاوه بر این، من نمی گویم آنچه دوست دارم اتفاق بیفتد. من طرفدار یک طرف یا طرف دیگر نیستم. من به سادگی به شما می گویم که فکر می کنم با پیشروی جنگ چه اتفاقی خواهد افتاد. در نهایت، من رفتار روسیه یا اقدامات هیچ یک از کشورهای درگیر در مناقشه را توجیه نمی کنم. من فقط اقدامات آنها را توضیح می دهم. حالا اجازه بدهید به موضوع پردازم.

**جایی که ما امروز هستیم**

برای اینکه بفهمیم اوکراین به کجا می رود، لازم است ابتدا وضعیت فعلی را ارزیابی کنیم. این مهم است که بدانیم سه بازیگر اصلی - روسیه، اوکراین و غرب - در مورد محیط تهدید خود چگونه فکر می کنند و اهداف خود را تصور می کنند. با این حال، وقتی در

مورد غرب صحبت می‌کنیم، عمدتاً در مورد ایالات متحده صحبت می‌کنیم، زیرا متحدان اروپایی آن دستورات راهپیمایی خود را در مورد اوکراین از واشنگتن دریافت می‌کنند. همچنین درک وضعیت کنونی در میدان جنگ ضروری است. اجازه دهید با محیط تهدید روسیه و اهداف آن شروع کنم:

## محیط تهدید روسیه

از آوریل 2008 مشخص شده است که رهبران روسیه در سراسر جهان به تلاش‌های غرب برای وارد کردن اوکراین به **نا تو** و تبدیل آن به یک سنگر غربی در مرزهای روسیه به عنوان یک تهدید وجودی می‌نگرند. در واقع، **پرزیدنت پوتین** و معاونانش بارها این نکته را در ماه‌های قبل از تهاجم روسیه بیان کردند، زمانی که برای آنها آشکار شد که اوکراین تقریباً یکی از اعضای **نا تو** است. یا که عضو **نا تو** خواهد شد.

### 2

از زمان آغاز جنگ در 24 فوریه 2022، غرب با اتخاذ مجموعه جدیدی از اهداف که رهبران روسیه نمی‌توانند آنها را به شدت تهدیدآمیز تلقی کنند، لایه دیگری به این تهدید وجودی اضافه کرده است. من در ادامه بیشتر در مورد اهداف غرب خواهم گفت، اما در اینجا کافی است بگویم که غرب مصمم است روسیه را شکست دهد و آن را از صفوف قدرتهای بزرگ بیرون بیاورد، و یا اگر نه خوباً به باعث تغییر رژیم یا حتی تجزیه روسیه مانند اتحاد جماهیر شوروی شود. که در سال 1991 انجام شد او یعنی **پوتین** در یک سخنرانی مهم خود در فوریه گذشته (2023) تاکید کرد که غرب یک تهدید مرگبار برای روسیه است. او گفت: «در طول سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، غرب هرگز از تلاش برای به آتش کشیدن کشورهای پس از شوروی و مهم‌تر از همه، پایان دادن به روسیه به عنوان بزرگترین بخش بازمانده از قلمروهای تاریخی دست برنداشت. آنها در ایالت ما تروریست‌های بین‌المللی را تشویق کردند که به ما حمله کنند درگیریهای منطقه‌ای را در امتداد مرزهای ما تحریک کردند، منافع ما را نادیده گرفتند و سعی کردند اقتصاد ما را مهار و سرکوب کنند. "وی در ادامه تاکید کرد: «نخبگان غربی هدف خود را که به قول من شکست استراتژیک روسیه است، پنهان نمی‌کنند. این برای ما چه معنایی دارد؟ این بدان معناست که آنها قصد دارند یک بار برای همیشه ما را تمام کنند.» پوتین در ادامه گفت: این یک تهدید وجودی برای کشور ما است.

### 3

رهبران روسیه نیز رژیم کیف را تهدیدی برای روسیه می‌دانند، نه فقط به این دلیل که متحد نزدیک با غرب است، بلکه به این دلیل که آنها یعنی روس‌ها آنرا زاده نیروهای فاشیست اوکراینی می‌دانند که در کنار آلمان نازی علیه اتحاد جماهیر شوروی در جنگ دوم جهان جنگیدند.

### 4

## اهداف روسیه

روسیه باید در این جنگ پیروز شود، زیرا معتقد است که بقای خود را با خطر مواجه می کند. اما پیروزی چگونه است؟ نتیجه ایده آل قبل از شروع جنگ در فوریه 2022 تبدیل اوکراین به یک کشور بی طرف و حل و فصل جنگ داخلی در **دونباس** بود که دولت اوکراین را در مقابل روس های قومی و روسی زبانان قرار داد که خواهان استقلال بیشتر برای منطقه خود بودند. به نظر می رسد که این اهداف در ماه اول جنگ همچنان واقع بینانه بوده و در واقع اساس مذاکرات استانبول بین کیف و مسکو در مارس 2022 بوده است.

### 5

اگر روس ها در آن زمان به آن اهداف دست یافته بودند، جنگ فعلی یا جلوگیری می شد یا به سرعت پایان می یافت.

اما معامله ای که اهداف روسیه را برآورده کند دیگر در کار نیست. اوکراین و **ناتو** در آینده قابل پیش بینی به هم پیوسته اند و هیچ یک حاضر به پذیرش بی طرفی اوکراین نیستند. علاوه بر این، رژیم در کیف برای رهبران روسیه که خواهان از بین رفتن آن هستند، تحقیر شده است. آنها نه تنها در مورد «نازی زدایی» اوکراین، بلکه «غیر ملیتازہ کردن» آن صحبت می کنند، دو هدفی که احتمالاً مستلزم فتح تمام اوکراین، وادار کردن نیروهای نظامی آن به تسلیم و استقرار یک رژیم دوست در کیف است.

### 6

یک پیروزی قاطع از این نوع به دلایل مختلف به احتمال زیاد اتفاق نمی افتد. ارتش روسیه برای چنین کاری که احتمالاً به حداقل دو میلیون نفر نیاز دارد، به اندازه کافی بزرگ نیست.

### 7

در واقع، ارتش موجود روسیه در فتح تمام دونباس با مشکل مواجه است. علاوه بر این، غرب برای جلوگیری از تسلط روسیه بر تمام اوکراین تلاش زیادی خواهد کرد. سرانجام، روس ها در نهایت حجم عظیمی از سرزمین ها را اشغال می کنند که به شدت با اوکراینی های نژادی پرجمعیت است که از روس ها متنفرند و به شدت در برابر اشغال مقاومت می کنند. تلاش برای تسخیر تمام اوکراین و خم کردن آن به خواست مسکو مطمئناً به فاجعه ختم خواهد شد.

لفاظی در مورد نازی زدایی و غیرنظامی کردن اوکراین به کنار، اهداف ملموس روسیه شامل تسخیر و الحاق بخش بزرگی از خاک اوکراین است، در حالی که به طور همزمان اوکراین را به یک کشور ناکارآمد تبدیل می کند. به این ترتیب، توانایی اوکراین

برای جنگ با روسیه بسیار کاهش می‌یابد و بعید است که واجد شرایط عضویت در اتحادیه اروپا یا **نا تو** باشد. علاوه بر این، اوکراین شکسته به ویژه در برابر مداخله روسیه در سیاست داخلی آن آسیب پذیر خواهد بود. به طور خلاصه، اوکراین یک سنگر غرب در مرز روسیه نخواهد بود.

آن وضعیت نابسامان ناکارآمد چگونه به نظر می‌رسد؟ مسکو کریمه و چهار استان اوکراینی دیگر - دونتسک، خرسون، لوهانسک و زاپوروزه - را به طور رسمی ضمیمه کرده است. آن سرزمینی که روسیه هنوز کنترل برخی از آنها را ندارد. در واقع، دلیلی وجود دارد که فکر کنیم اگر روسیه توانایی نظامی برای انجام این کار را با هزینه معقول داشته باشد، قلمرو اوکراینی بیشتری را ضمیمه خواهد کرد. با این حال، همانطور که خود پوتین به وضوح بیان می‌کند، دشوار است که بگوییم مسکو به دنبال ضمیمه کردن چه مقدار از خاک اوکراین است.

## 8

فکر روسی احتمالاً تحت تأثیر سه محاسبه قرار می‌گیرد. مسکو انگیزه قدرتمندی برای تسخیر و ضمیمه دائمی سرزمین اوکراینی که به شدت با قومیت های روس و روسی زبانان پرجمعیت است، دارد. این کشور می‌خواهد از آنها در برابر دولت اوکراین محافظت کند - که با همه چیز روسیه دشمنی کرده است - و مطمئن شود که هیچ جنگ داخلی در هیچ کجای اوکراین مانند آنچه در دونباس بین فوریه 2014 و فوریه 2022 رخ داد وجود ندارد. در عین حال، روسیه می‌خواهد از کنترل قلمروهایی که عمدتاً توسط اوکراینی های قومی متخاصم پرهیز کنند، که محدودیت های قابل توجهی را برای گسترش بیشتر روسیه ایجاد می‌کند. در نهایت، تبدیل اوکراین به یک کشور ناکارآمد، مستلزم آن است که مسکو مقادیر قابل توجهی را از خاک اوکراین بردارد، بنابراین در موقعیت خوبی قرار دارد تا آسیب قابل توجهی به اقتصاد خود وارد کند. برای مثال، کنترل تمام خطوط ساحلی اوکراین در امتداد دریای سیاه، به مسکو اهرم اقتصادی قابل توجهی برکیف خواهد داد.

این سه محاسبه نشان می‌دهد که روسیه احتمالاً تلاش خواهد کرد چهار استان - دنپروپتروفسک، خارکف، میکولایف و اودسا - را که بلافاصله در غرب چهار استانی که قبلاً ضمیمه کرده است - دونتسک، خرسون، لوهانسک و زاپوروزه - را ضمیمه کند. اگر این اتفاق بیفتد، روسیه تقریباً 43 درصد از خاک اوکراین قبل از 2014 را کنترل می‌کند.

## 9

دیمیتری ترنین، استراتژیست برجسته روسی تخمین می‌زند که رهبران روسیه به دنبال تصرف قلمرو اوکراین حتی بیشتر خواهند بود - با فشار به سمت غرب در شمال اوکراین تا

رودخانه دنیپر و گرفتن بخشی از کیف که در ساحل شرقی آن رودخانه قرار دارد. او می نویسد که "گام بعدی منطقی" پس از بردن کل اوکراین از خارکف به اودسا، "گسترش کنترل روسیه به تمام اوکراین در شرق رودخانه دنیپر، از جمله بخشی از کیف که در کرانه شرقی آن رودخانه قرار دارد، خواهد بود. اگر اتفاق بیفتد، دولت اوکراین منقبض می شود و فقط مناطق مرکزی و غربی کشور را شامل می شود.

## 10

### محیط تهدید غرب:

شاید اکنون باورش سخت به نظر برسد، اما قبل از وقوع بحران اوکراین در فوریه 2014، رهبران غربی روسیه را به عنوان یک تهدید امنیتی نمی دانستند. به عنوان مثال، رهبران **ناتو** با رئیس جمهور روسیه در مورد "مرحله جدیدی از همکاری به سوی یک مشترکت استراتژیک واقعی" در نشست لیسبون در سال «2010» صحبت می کردند.

## 11

جای تعجب نیست که گسترش **ناتو** قبل از سال 2014 از نظر مهار روسیه خطرناک و توجیه پذیر نبود. در واقع، این ضعف روسیه بود که به غرب اجازه داد تا دو مرحله اول توسعه **ناتو** در سال های 1999 و 2004 را در گوی مسکو فرو برد و سپس به دولت **جورج بوش** اجازه داد در سال 2008 فکر کند که روسیه می تواند مجبور شود گرجستان و اوکراین را بپذیرد. پیوستن به اتحاد اما این فرض نا درست بود و زمانی که بحران اوکراین در سال «2014» شروع شد، غرب ناگهان روسیه را به عنوان یک دشمن خطرناک نشان داد که اگر تضعیف نشود باید مها رشود.

## 12

از زمان شروع جنگ در فوریه 2022، درک غرب از روسیه به طور پیوسته به حدی افزایش یافته است که اکنون به نظر می رسد مسکو به عنوان یک تهدید وجودی تلقی می شود. ایالات متحده و متحدانش در **ناتو** به شدت درگیر جنگ اوکراین علیه روسیه هستند. در واقع، آنها همه کار می کنند، جز کشیدن ماشه ها و فشار دادن دکمه ها.

## 13

علاوه بر این، آنها «یعنی غرب و آمریکا» تعهد صریح خود را برای پیروزی در جنگ و حفظ حاکمیت اوکراین به وضوح اعلام کرده اند. بنا بر این، شکست در جنگ پیامدهای بسیار منفی برای واشنگتن و **ناتو** خواهد داشت. شهرت آمریکا برای شایستگی و قابلیت اطمینان به شدت آسیب خواهد دید، که بر نحوه برخورد متحدانش و همچنین دشمنانش به ویژه **چین** - با ایالات متحده تأثیر می گذارد.



علاوه بر این، تقریباً همه کشورهای اروپایی در **نا تو** معتقدند که این اتحاد یک چتر امنیتی غیرقابل جایگزین است. بنابراین، این احتمال که **نا تو** در صورت پیروزی روسیه در اوکراین به شدت آسیب ببیند - شاید حتی ویران شود - باعث نگرانی عمیق اعضای آن می شود. علاوه بر این، رهبران غربی اغلب اوکراین را به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از مبارزه جهانی بزرگترین خودکامگی و دموکراسی که در هسته آن مانوی است، به تصویر می کشند. علاوه بر این، گفته می شود که آینده نظم بین المللی مبتنی بر قوانین مقدس به غلبه بر روسیه بستگی دارد. **شاه چارلز** در ماه مارس گذشته (2023) گفت: "امنیت اروپا و همچنین ارزش های دموکراتیک ما در معرض تهدید هستند."

## 14

به همین ترتیب، قطعنامه ای در ایالات متحده ارائه شد. کنگره در آوریل اعلام کرد: "منافع ایالات متحده، امنیت اروپا، و هدف صلح بین المللی به... پیروزی اوکراین بستگی دارد."

## 15

مقاله اخیر واشنگتن پست نشان می دهد که چگونه غرب با روسیه به عنوان یک تهدید وجودی رفتار می کند: «رهبران بیش از 50 کشور دیگر حا می اوکراین حمایت خود را به عنوان بخشی از نبرد آخرالزمانی برای آینده دموکراسی و حاکمیت بین المللی ابراز کرده اند. قانون علیه خودکامگی و تجاوز که غرب نمی تواند از دست بدهد».

## 16

### اهداف غرب

همانطور که باید روشن باشد، غرب به طرز شگفت انگیزی متعهد به شکست روسیه است. پرزیدنت **بایدن** بارها گفته است که ایالات متحده برای پیروزی در این جنگ مصمم است. اوکراین هرگز یک پیروزی برای روسیه نخواهد بود. باید به "شکست استراتژیک" ختم شود. او تأکید می کند که واشنگتن «تا زمانی که طول بکشد» در این مبارزه باقی خواهد ماند. [یک تصمیم جاه طلبانه و احمقانه... توسط این قلم]

## 17

به طور خاص، هدف شکست ارتش روسیه در اوکراین - حذف دستاوردهای ارضی آن - و فلج کردن اقتصاد آن با تحریم های مرگبار است. در صورت موفقیت، روسیه از صفوف قدرت های بزرگ حذف می شود و آنقدر تضعیف می شود که نمی تواند تهدیدی برای حمله مجدد به اوکراین باشد.

## 18

رهبران غربی اهداف دیگری نیز دارند که شامل تغییر رژیم در مسکو، محاکمه پوتین به عنوان جنایتکار جنگی و احتمالاً تجزیه روسیه به کشورهای کوچکتر است.

## 19

در عین حال، غرب همچنان متعهد به وارد کردن یا شمولیت اوکراین به **نا تو** است، اگرچه در داخل ائتلاف درباره زمان و چگونگی وقوع آن اختلاف نظر وجود دارد.

## 20

ینس استولتبرگ، دبیرکل ائتلاف در یک کنفرانس خبری در آوریل (2023) در کیف گفت که "موضع **نا تو** بدون تغییر باقی می ماند و اوکراین به عضویت این ائتلاف در می آید." وی در عین حال تأکید کرد که اولین گام در جهت هرگونه عضویت اوکراین در **نا تو**، اطمینان از برتری اوکراین است و به همین دلیل است که آمریکا و شرکای آن حمایت بی سابقه ای از اوکراین ارائه کرده اند.

## 21

با توجه به این اهداف، واضح است که چرا روسیه به غرب به عنوان یک تهدید وجودی نگاه می کند.

## محیط و اهداف تهدید اوکراین

شکی نیست که اوکراین با یک تهدید وجودی مواجه است، با توجه به اینکه روسیه در صدد تجزیه آن است و اطمینان حاصل می کند که دولت باقیمانده نه تنها از نظر اقتصادی ضعیف است، بلکه نه عملاً و نه عضو قانونی **نا تو** است. همچنین تردیدی وجود ندارد که کیف در هدف غرب برای شکست دادن و تضعیف جدی روسیه، به طوری که بتواند قلمرو از دست رفته خود را پس بگیرد و برای همیشه تحت کنترل اوکراین نگه دارد، مشترک است. همانطور که رئیس جمهور **زلنسکی** اخیراً به رئیس جمهور **شی جین پینگ** گفت: "هیچ صلحی وجود ندارد که براساس مصالحه ارضی باشد."

## 22

رهبران اوکراین به طور طبیعی به پیوستن به اتحادیه اروپا و **نا تو** و تبدیل اوکراین به بخشی جدایی ناپذیر از غرب متعهد هستند.

## 23

در مجموع، سه بازیگر کلیدی در جنگ اوکراین، همگی معتقدند که با یک تهدید وجودی



روبرو هستند، به این معنی که هر یک از آنها فکر می‌کنند باید در جنگ پیروز شوند وگرنه متحمل عواقب وحشتناکی خواهند شد.

## میدان جنگ امروز

با عطف به رویدادهای میدان نبرد، جنگ به جنگ فرسایشی تبدیل شده است که در آن هر طرف اساساً نگران هستند که طرف مقابل راسفید یا ناکام کند و باعث تسلیم شدن آن شود. البته، هر دو طرف نیز نگران تصرف سرزمین هستند، اما این هدف نسبت به فرسودگی طرف مقابل در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

ارتش اوکراین در نیمه دوم سال 2022 دست بالا را داشت که به آن اجازه داد سرزمینی را در مناطق خارکف و خرسون از روسیه پس بگیرد. اما روسیه با بسیج 300000 سرباز اضافی، سازماندهی مجدد ارتش، کوتاه کردن خطوط مقدم و درس گرفتن از اشتباهات خود به این شکست‌ها پاسخ داد.

### 24

محل جنگ در سال 2023 در شرق اوکراین، عمدتاً در مناطق دونتسک و زاپوروزه بوده است. روس‌ها در این سال دست برتر را داشتند، عمدتاً به این دلیل که در توپخانه، که مهمترین سلاح در جنگ فرسایشی است، برتری قابل توجهی دارند.

مزیت مسکو در نبرد باخموت مشهود بود که با تصرف آن شهر توسط روس‌ها در اواخر ماه مه (2023) به پایان رسید. اگرچه ده ماه طول کشید تا نیروهای روسی کنترل باخموت را به دست گیرند، اما با توپخانه خود تلفات زیادی به نیروهای اوکراینی وارد کردند.

### 25

اندکی پس از آن در 4 ژوئن، اوکراین عملیات متقابل مورد انتظار خود را در نقاط مختلف در مناطق دونتسک و زاپوروزه آغاز کرد. هدف نفوذ به خطوط مقدم دفاعی روسیه، وارد کردن ضربه گیج کننده به نیروهای روسی و بازپس‌گیری مقدار قابل توجهی از خاک اوکراین است که اکنون تحت کنترل روسیه است. در اصل، هدف این است که موفقیت‌های اوکراین در خارکف و خرسون در سال 2022 تکرار شود.

ارتش اوکراین تاکنون پیشرفت کمی در دستیابی به این اهداف داشته است و در عوض در نبردهای فرسایشی مرگبار با نیروهای روسی گرفتار شده است. در سال 2022، اوکراین در لشکرکشی‌های خارکف و خرسون موفق بود، زیرا ارتش این کشور در حال جنگ با نیروهای روسیه بود. امروز اینطور نیست: اوکراین در مقابل خطوط دفاعی

روسیه که به خوبی آماده شده است حمله می کند. اما حتی اگر نیروهای اوکراینی از آن خطوط دفاعی عبور کنند، نیروهای روسی به سرعت جبهه را تثبیت کرده و نبردهای فرسایشی ادامه خواهند داشت.

## 26

اوکراینی ها در این برخوردها در مضیقه هستند زیرا روس ها برتری قابل توجهی در قدرت آتش دارند.

### به کجا می رویم

اجازه دهید دنده ها را عوض کنم و از زمان حال دور شوم و در مورد آینده صحبت کنم، از این که چگونه رویدادهای میدان نبرد احتمالاً در حال انجام شدن به جلو هستند، شروع کنم. همانطور که اشاره شد، من معتقدم که روسیه در جنگ پیروز خواهد شد، به این معنی که در نهایت به تسخیر و ضمیمه کردن سرزمین قابل توجه اوکراین می پردازد و اوکراین را به عنوان یک کشور ناکارآمد باقی می گذارد. اگر درست بگویم، این یک شکست سخت برای اوکراین و غرب خواهد بود.

با این حال، یک خط نقره ای در این نتیجه وجود دارد: پیروزی روسیه به طور قابل توجهی خطر جنگ هسته ای را کاهش می دهد، زیرا در صورتی که نیروهای اوکراینی در میدان نبرد پیروزی هایی به دست آورند و تهدید به بازپس گیری تمام یا بیشتر سرزمین ها باشند، تشدید تنش هسته ای به احتمال زیاد رخ می دهد. کیف به مسکو باخت. رهبران روسیه مطمئناً به طور جدی در مورد استفاده از سلاح های هسته ای برای نجات اوضاع فکر می کنند. البته، اگر من در مورد اینکه جنگ به کجا می رود و ارتش اوکراین دست بالا را به دست می آورد و شروع به هل دادن یا عقب نشینی نیروهای روسیه به سمت شرق می کند، اشتباه می کنم، احتمال استفاده از هسته ای به میزان قابل توجهی افزایش می یابد، که نمی توان گفت این امر قطعی است.

اساس ادعای من مبنی بر اینکه روس ها احتمالاً در جنگ پیروز می شوند چیست؟

جنگ اوکراین، همانطور که تاکید شد، جنگ فرسایشی است که در آن تصرف و حفظ سرزمین در درجه دوم اهمیت قرار دارد. هدف در جنگ فرسایشی این است که نیروهای طرف مقابل را تا حدی از بین ببرد که یا از جنگ دست بکشد یا آنقدر ضعیف شود که دیگر نتواند از قلمرو مورد مناقشه دفاع کند.

## 27

اینکه چه کسی در یک جنگ فرسایشی برنده می شود تا حد زیادی تابع سه عامل است:

تبادل عزم بین دو طرف. تعادل جمعیتی بین آنها؛ ونسبت تلفات به تبادل روسها از نظر اندازه جمعیت دارای مزیت تعیین کننده ای هستند و در نسبت تبادل تلفات از مزیت قابل توجهی برخوردارند. دو طرف از نظر قاطعیت برابر هستند. تعادل عزم را در نظر بگیرید. همانطور که اشاره شد، روسیه و اوکراین هر دو معتقدند که با یک تهدید وجودی روبرو هستند و طبیعتاً هر دو طرف کاملاً متعهد به پیروزی در جنگ هستند. بنابراین، به سختی می توان تفاوت معناداری را در تصمیم آنها مشاهده کرد. با توجه به اندازه جمعیت، روسیه قبل از شروع جنگ در فوریه 2022 تقریباً 3.5:1 برتری داشت. از آن زمان، این نسبت به طور قابل توجهی به نفع روسیه تغییر کرده است. حدود هشت میلیون اوکراینی از کشور فرار کرده اند که از جمعیت اوکراین کم شده است. تقریباً سه میلیون نفر از این مهاجران به روسیه رفته اند و به جمعیت آن افزوده شده است. علاوه بر این، احتمالاً حدود چهار میلیون شهروند اوکراینی دیگر در سرزمین های که روسیه اکنون کنترل می کند زندگی می کنند و این عدم تعادل جمعیتی را بیشتر به نفع روسیه تغییر می دهد. با کنار هم قرار دادن این اعداد، روسیه از نظر اندازه جمعیت تقریباً یک مزیت 5:1 می دهد.

## 28

در نهایت، نسبت تبادل تلفات وجود دارد، که از زمان آغاز جنگ در فوریه 2022 یک موضوع بحث برانگیز بوده است. عقل متعارف در اوکراین و غرب این است که سطح تلفات در هر دو طرف یا تقریباً برابر است یا اینکه روسها متحمل شده اند. تلفات بیشتر از اوکراینی ها الکسی دانیلوف، رئیس شورای امنیت ملی و دفاع اوکراین، تا آنجا پیش می رود که استدلال میکنند که روسیه به ازای هر سرباز اوکراینی در نبرد باخموت، 7.5 سرباز از دست داده است.

## 29

این ادعاها اشتباه است. نیروهای اوکراینی به یک دلیل مطمئناً تلفات بسیار بیشتری نسبت به مخالفان روسی خود متحمل شده اند. روسیه توپخانه بسیار بیشتری نسبت به اوکراین دارد. در جنگ فرسایشی، توپخانه مهمترین سلاح در میدان نبرد است. در امریکا ارتش، توپخانه به طور گسترده ای به عنوان "پادشاه نبرد" شناخته می شود، زیرا مسئول اصلی کشتن و زخمی کردن سربازانی است که در حال جنگ هستند.

## 30

بنابراین، تعادل توپخانه در جنگ فرسایشی بسیار مهم است. تقریباً با هر حساب، روسها چیزی بین 5:1 و 10:1 برتری در توپخانه دارند، که ارتش اوکراین را در یک نقطه

ضعف قابل توجه در میدان نبرد قرار می دهد.

## 31

به طور کلی، می توان انتظار داشت که نسبت تبادل تلفات به تعادل توپخانه تقریبی باشد. بنابراین، نسبت تبادل تلفات به ترتیب 2:1 به نفع روسیه یک برآورد محافظه کارانه است.

## 32

یکی از چالش های احتمالی برای تحلیل من این است که استدلال کنم که روسیه متجاوز در این جنگ است و مجرم همواره تلفات بسیار بالاتری نسبت به مدافع متحمل می شود، به ویژه اگر نیروهای مهاجم درگیر حملات گسترده ای از جبهه باشند، که اغلب گفته می شود این حمله شیوه عملیات ارتش روسیه است

## 33

به هر حال، مهاجم در فضای باز و در حال حرکت است، در حالی که مدافع عمدتاً از موقعیت های ثابتی که پوشش قابل توجهی را فراهم می کند می جنگد. این منطق زیربنای قانون سرانگشتی معروف 3:1 است، که می گوید یک نیروی مهاجم حداقل سه برابر بیشتر از مدافع برای پیروزی در یک نبرد نیاز دارد.

## 34

اما وقتی این خط استدلال در مورد جنگ اوکراین اعمال شود، مشکلاتی وجود دارد. اولاً، این فقط روس ها نیستند که در طول جنگ کمپین های تهاجمی را آغاز کرده اند.

## 35

در واقع، اوکراینی ها سال گذشته دو حمله بزرگ را آغاز کردند که منجر به پیروزی های گسترده ای شد: **حمله خارکف** در سپتامبر 2022 و حمله خرسون بین اوت و نوامبر 2022. اگرچه اوکراینی ها در هر دو حمله به دستاوردهای ارضی قابل توجهی دست یافتند، توپخانه روسیه تلفات سنگینی را به آنها وارد کرد. نیروهای مهاجم اوکراینی ها به تازگی یک حمله بزرگ دیگر را در 4 ژوئن علیه نیروهای روسی آغاز کردند که تعدادشان بیشتر و بسیار آماده تر از آنهاست که اوکراینی ها در خارکف و خرسون با آنها جنگیدند.

**دوم**، تمایز بین مهاجمان و مدافعان در یک نبرد بزرگ معمولاً سیاه و سفید نیست. هنگامی که یک ارتش به ارتش دیگری حمله می کند، مدافع همیشه ضد حملات را آغاز می کند. به عبارت دیگر، مدافع به حمله و مهاجم به دفاع منتقل می شود. در طول یک نبرد طولانی، هر یک از طرفین احتمالاً در نهایت حملات و ضد حمله های زیادی انجام می دهند و همچنین از موقعیت های ثابت دفاع می کنند. این به عقب و جلو توضیح می دهد که چرا نسبت تبادل تلفات در نبردهای جنگ داخلی ایالات متحده و جنگ جهانی اول تقریباً

برابر است و برای ارتشی که در حالت تدافعی شروع شده است مطلوب نیست. در واقع ارتشی که اولین ضربه را وارد می کند گهگاه تلفات کمتری نسبت به ارتش هدف می دهد.

## 36

به طور خلاصه، دفاع معمولاً شامل حملات زیادی است. از گزارش های خبری اوکراین و غرب مشخص است که نیروهای اوکراینی به طور مکرر ضد حملات علیه نیروهای روسی انجام می دهند. این گزارش در واشنگتن پست در مورد جنگ اوایل سال جاری در باخموت را در نظر بگیرید: «این حرکت سیال در جریان است» یک ستوان یک اوکراینی گفت... حملات روسیه در امتداد جبهه به نیروهای آنها اجازه می دهد تا چند صدمتر پیشروی کنند قبل از اینکه هل داده شوند ساعت ها بعد برگشت اومی گوید: «تشخیص دقیق اینکه خط مقدم دقیقاً کجاست، سخت است زیرا مانند جل-او حرکت میکنند».

## 37

با توجه به مزیت توپخانه عظیم روسیه، منطقی به نظر می رسد که فرض کنیم نسبت تبادل تلفات در این ضد حملات اوکراینی به نفع روس ها است - احتمالاً به روشی کج. سوم، روس ها - حداقل نه اغلب - از حملات جبهه ای در مقیاس بزرگ استفاده نمی کنند که هدف آن حرکت سریع به جلو و تصرف قلمرو باشد، اما نیروهای مهاجم را در معرض آتش خشک مدافعان اوکراینی قرار دهد. همانطور که ژنرال سرگئی سوروویکین در اکتبر 2022، زمانی که فرماندهی نیروهای روسی در اوکراین را بر عهده داشت، توضیح داد: "ما استراتژی متفاوئی داریم... ما به هر سربازی رحم می کنیم و به طور مداوم دشمن در حال پیشروی را سرکوب می کنیم."

## 38

در واقع، نیروهای روسی تاکتیک های هوشمندانه ای را اتخاذ کرده اند که میزان تلفات آنها را کاهش می دهد.

## 39

تاکتیک مورد علاقه آنها انجام حملات کاوشگر علیه مواضع ثابت اوکراین با واحدهای کوچک پیاده نظام است که باعث می شود نیروهای اوکراینی با خمپاره و توپ به آنها حمله کنند.

## 40

این پاسخ به روس ها اجازه می دهد تا تعیین کنند که مدافعان اوکراینی و توپخانه آنها در کجا قرار دارند. سپس روس ها از مزیت بزرگ خود در توپخانه برای حمله به دشمنان خود استفاده می کنند. پس از آن، بسته های پیاده نظام روسیه دوباره به جلو حرکت می کنند. و هنگامی که با مقاومت جدی اوکراین روبرو می شوند، این روند را تکرار می کنند. این

تاکتیک‌ها به توضیح اینکه چرا روسیه در تصرف سرزمین‌های تحت کنترل اوکراین پیشرفت کندی دارد کمک می‌کند.

ممکن است تصور شود که غرب می‌تواند با تامین لوله‌ها و گلوله‌های توپخانه‌ای بیشتر به اوکراین، راه درازی را برای کاهش نسبت تبادل تلفات و تلفات طی کند، و در نتیجه مزیت قابل توجه روسیه با این سلاح بسیار مهم را از بین ببرد. با این حال، این اتفاق به این زودی‌ها رخ نخواهد داد، زیرا نه ایالات متحده و نه متحدانش ظرفیت صنعتی لازم برای تولید انبوه لوله‌ها و گلوله‌های توپخانه برای اوکراین را ندارند. آنها همچنین نمی‌توانند به سرعت این ظرفیت را ایجاد کنند.

## 41

بهترین کاری که غرب می‌تواند انجام دهد – حداقل برای یک سال آینده - حفظ عدم تعادل توپخانه موجود بین روسیه و اوکراین است، اما حتی این کار دشواری خواهد بود. اوکراین نمی‌تواند کمک چندانی به رفع این مشکل کند، زیرا توانایی آن برای ساخت سلاح محدود است. این کشور تقریباً به طور کامل به غرب وابسته است، نه تنها از نظر توپخانه، بلکه برای هر نوع سیستم تسلیحاتی بزرگ. از سوی دیگر، روسیه توانایی بسیار خوبی برای ساخت تسلیحات برای ورود به جنگ داشت که از زمان جنگ افزایش یافته است. آغاز شده. پوتین اخیراً گفت: «صنعت دفاعی ما هر روز در حال افزایش است. ما تولیدات نظامی را در سال گذشته 2.7 برابر افزایش داده ایم. تولید حیاتی‌ترین سلاح‌های ما ده برابر افزایش یافته و همچنان در حال افزایش است. کارخانه‌ها در دویا سه شیفت کار می‌کنند و برخی شبانه روز مشغول هستند»

## 42

به طور خلاصه، با توجه به وضعیت غم‌انگیز پایگاه صنعتی اوکراین، این کشور در موقعیتی نیست که به تنهایی جنگ فرسایشی را به راه بیندازد. تنها با حمایت غرب می‌تواند این کار را انجام دهد. اما حتی در این صورت هم محکوم به شکست است.

اخیراً پیشرفتی رخ داده است که مزیت قدرت آتش روسیه را نسبت به اوکراین بیشتر می‌کند. در سال اول جنگ، نیروی هوایی روسیه تأثیر کمی بر آنچه در جنگ زمینی رخ داد، داشت، عمدتاً به این دلیل که پدافند هوایی اوکراین به اندازه کافی مؤثر بود که هواپیماهای روسی را از اکثر میادین جنگ دور نگه می‌داشت. اما روس‌ها دفاع هوایی اوکراین را به طور جدی تضعیف کرده‌اند، که اکنون به نیروی هوایی روسیه اجازه می‌دهد تا نیروهای زمینی اوکراین را در خط مقدم یا مستقیماً در پشت آن حمله کند.

## 43



علاوه بر این، روسیه توانایی تجهیز زرادخانه عظیم بمب های آهنی 500 کیلوگرمی خود را به کیت های هدایتی که آنها را به ویژه کشنده می کند، توسعه داده است.

**44**

در مجموع، نسبت تبادل تلفات به نفع روس ها در آینده قابل پیش بینی ادامه خواهد یافت، که در جنگ فرسایشی بسیار اهمیت دارد. علاوه بر این، روسیه برای جنگ فرسایشی موقعیت بسیار بهتری دارد زیرا جمعیت آن بسیار بیشتر از اوکراین است. تنها امید کیف برای پیروزی در جنگ، عزم مسکو برای فروپاشی است، اما با توجه به اینکه رهبران روسیه غرب را یک خطر وجودی می دانند، که بعید است.

## چشم انداز توافق صلح از طریق مذاکره:

صداها در سرتاسر جهان در حال افزایش است که از همه طرف های جنگ اوکراین می خواهند دیپلماسی را بپذیرند و برای یک توافق صلح پایدار مذاکره کنند. با این حال این اتفاق نمی افتد. موانع بسیار زیادی برای پایان دادن به جنگ به این زودی وجود دارد، چه برسد به ایجاد یک معامله که یک صلح پایدار را ایجاد کند. بهترین نتیجه ممکن یک درگیری منجمد است، جایی که هر دو طرف به دنبال فرصت هایی برای تضعیف طرف مقابل هستند و خطر دائمی درگیری مجدد وجود دارد.

در کلی ترین سطح، صلح امکان پذیر نیست، زیرا هر یک از طرفین، طرف دیگر را به عنوان یک تهدید مرگبار می بیند که باید در میدان جنگ شکست بخورد. در این شرایط به سختی جایی برای سازش با طرف مقابل وجود دارد. همچنین دو نقطه اختلاف خاص بین طرفین متخاصم وجود دارد که قابل حل نیست. یکی مربوط به قلمرو و دیگری مربوط به بی طرفی اوکراین است.

**45**

تقریباً همه اوکراینی ها عمیقاً متعهد به بازگرداندن تمام قلمروهای از دست رفته خود - از جمله کریمه هستند.

**46**

چه کسی می تواند آنها را سرزنش کند؟ اما روسیه رسماً کریمه، دونتسک، خرسون، لوهانسک و زاپوروژیه را ضمیمه کرده است و قاطعانه متعهد به حفظ این سرزمین است. در واقع، دلیلی وجود دارد که فکر کنیم مسکو در صورت امکان، خاک بیشتری اوکراین را ضمیمه خواهد کرد.

گره گوردی دیگر به رابطه اوکراین با غرب مربوط می شود. به دلایل قابل درک، اوکراین خواهان تضمین امنیتی پس از پایان جنگ است که تنها غرب می تواند آن را فراهم کند. این به معنای عضویت عملی یا قانونی در **نا تو** است، زیرا هیچ کشور دیگری نمی تواند از اوکراین محافظت کند. با این حال، تقریباً همه رهبران روسیه خواستار یک اوکراین بی طرف هستند که به معنای عدم وجود روابط نظامی با غرب و در نتیجه عدم وجود چتر امنیتی برای کیف است. هیچ راهی برای مربع این دایره وجود ندارد.

دو مانع دیگر بر سر راه صلح وجود دارد: ناسیونالیسم که اکنون به فراملی گرایی تبدیل شده است و عدم اعتماد کامل به طرف روسیه.

ناسیونالیسم برای بیش از یک قرن نیروی قدرتمندی در اوکراین بوده است و خصومت با روسیه از دیرباز یکی از عناصر اصلی آن بوده است. وقوع درگیری کنونی در 22 فوریه 2014 به این خصومت دامن زد و پارلمان اوکراین را بر آن داشت تا روز بعد لایحه ای را تصویب کند که استفاده از زبان روسی و دیگر زبان های اقلیت ها را محدود می کرد، اقدامی که به تشدید جنگ داخلی در دونباس کمک کرد.

**47**

الحاق کریمه به روسیه مدت کوتاهی پس از آن وضعیت بد را بدتر کرد. برخلاف عقل مرسوم در غرب، پوتین فهمید که اوکراین کشوری جدا از روسیه است و درگیری بین روس های قومی و روسی زبانان ساکن دونباس و دولت اوکراین تماماً بر سر «مسئله ملی» است.

**48**

تهاجم روسیه به اوکراین که مستقیماً دو کشور را در یک جنگ طولانی و خونین در مقابل یکدیگر قرار می دهد، این ناسیونالیسم را از هر دو طرف به فراملی گرایی تبدیل کرده است. تحقیر و نفرت از "دیگری" جامعه روسیه و اوکراین را در بر می گیرد، که انگیزه های قدرتمندی برای از بین بردن این تهدید ایجاد می کند - در صورت لزوم با خشونت. نمونه ها فراوان است. یک هفته نامه برجسته کیف معتقد است که نویسندگان مشهور روسی مانند میخائیل لرمانتوف، فنودور داستایوفسکی، لئو تولستوی و بوریس پاسترناک "قاتل، غارتگر، جاهل" هستند.

**49**

یک نویسنده برجسته اوکراینی می گوید فرهنگ روسی نشان دهنده «بربریت، قتل، و ویرانی...» است. این سرنوشت فرهنگ دشمن است.»

به طور قابل پیش بینی، دولت اوکراین درگیر «روسیه زدایی» یا «استعمار زدایی» است که شامل پاکسازی کتابخانه ها از کتاب های نویسندگان روسی، تغییر نام خیابان هایی با نام های مرتبط با روسیه، پاپین کشیدن مجسمه های شخصیت هایی مانند کاترین کبیر، ممنوع کردن زبان روسی است. موسیقی تولید شده پس از سال 1991، قطع روابط بین کلیسای ارتدکس اوکراین و کلیسای ارتدکس روسیه و به حداقل رساندن استفاده از زبان روسی. شاید نگرش اوکراین در قبال روسیه به بهترین وجه در اظهار نظر کوتاه زلنسکی خلاصه شود: «ما نمی بخشیم. ما فراموش نخواهیم کرد.»

## 51

به سمت روسی تپه، *Lieven Anatol* گزارش می دهد که "هر روز در تلویزیون روسیه می توانید توهین های قومی پر از نفرت را متوجه اوکراینی ها ببینید.

جای تعجب نیست که روس ها برای روسی سازی و محو فرهنگ اوکراینی در مناطقی که مسکو ضمیمه کرده است، تلاش می کنند. این اقدامات شامل صدور پاسپورت روسی، تغییر برنامه های درسی در مدارس، جایگزینی روبل روسیه به جای گریونای اوکراین، هدف قرار دادن کتابخانه ها و موزه ها و تغییر نام شهرها و شهرها است.

## 53

به عنوان مثال، باخموت اکنون آرتموفسک است و زبان اوکراینی دیگر در مدارس منطقه دونتسک تدریس نمی شود.

## 54

ظاهراً روس ها هم نه می بخشند و نه فراموش می کنند.

ظهور فراملی گرایی در زمان جنگ قابل پیش بینی است، نه تنها به این دلیل که دولت ها به شدت به ناسیونالیسم متکی هستند تا مردم خود را برای حمایت از کشورشان تا انتها برانگیزند، بلکه به این دلیل که مرگ و ویرانی ناشی از جنگ - به ویژه جنگ های طولانی - هر طرف را به سمت غیر انسانی کردن سوق می دهد. و از دیگری متنفر با شید در مورد اوکراین، درگیری تلخ بر سر هویت ملی، به آتش می افزاید.

فراملی گرایی طبیعتاً همکاری هر یک از طرفین با طرف دیگر را دشوارتر می کند و به روسیه دلیل می دهد تا سرزمینی را که پر از روس های قومی و روسی زبانان است تصرف کند. احتمالاً با توجه به خصومت دولت اوکراین نسبت به همه چیز روسیه، بسیاری از آنها ترجیح می دهند تحت کنترل روسیه زندگی کنند. در روند الحاق این

سرزمین‌ها، روس‌ها احتمالاً تعداد زیادی از اوکراینی‌های قومی را اخراج خواهند کرد، عمدتاً به دلیل ترس از اینکه در صورت باقی ماندن آنها علیه حکومت روسیه شورش کنند. این تحولات به تنفر بین روس‌ها و اوکراینی‌ها دامن می‌زند و سازش بر سر قلمرو را عملاً غیرممکن می‌کند.

یک دلیل نهایی وجود دارد که چرا یک توافق صلح پایدار امکان‌پذیر نیست. رهبران روسیه به اوکراین و غرب برای مذاکره با حسن نیت اعتماد ندارند، و این بدان معنا نیست که رهبران اوکراینی و غربی به همتایان روسی خود اعتماد دارند. فقدان اعتماد در همه طرف‌ها مشهود است، اما به ویژه از سوی مسکو به دلیل مجموعه‌ای از افشاگری‌های اخیر شدیدتر است.

منشأ مشکل اتفاقی است که در مذاکرات بر سر توافقنامه مینسک 2 در سال 2015 رخ داد که چارچوبی برای خاموش کردن درگیری در دونباس بود. فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، نقش اصلی را در طراحی این چارچوب بازی کردند، اگرچه آنها با پوتین و پترو پوروشنکو، رئیس‌جمهور اوکراین مشورت‌های گسترده‌ای داشتند. آن چهار نفر نیز بازیگران کلیدی مذاکرات بعدی بودند. شکی نیست که پوتین متعهد به کار مینسک بود. اما اولاند، مرکل و پوروشنکو - و همچنین زلنسکی - همگی به صراحت اعلام کرده‌اند که علاقه‌ای به اجرای مینسک ندارند، اما در عوض آن را فرصتی برای خرید زمان برای اوکراین می‌دانند تا ارتش خود را تقویت کند تا بتواند با آن مقابله کند. شورش در دونباس همانطور که مرکل به *Die Zeit* گفت، این «تلاشی بود برای دادن زمان به اوکراین... برای قوی‌تر شدن».

55

به همین ترتیب، پوروشنکو گفت: «هدف ما این بود که ابتدا تهدید را متوقف کنیم یا حداقل جنگ را به تعویق بیندازیم - تضمین هشت ساله برای بازگرداندن رشد اقتصادی و ایجاد نیروهای مسلح قدرتمند».

56

مدت کوتاهی پس از مصاحبه *Die Zeit* مرکل در دسامبر 2022، پوتین در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «من فکر می‌کردم که سایر شرکت‌کنندگان این توافق حداقل صادق هستند، اما نه، معلوم شد که آنها نیز به ما دروغ می‌گویند و فقط می‌خواستند اوکراین را با سلاح پمپاژ کنند. و آن را برای درگیری نظامی آماده کنید.» او در ادامه با بیان اینکه مغرور شدن توسط غرب باعث شده فرصت حل مشکل اوکراین را در شرایط مساعد تری برای روسیه از دست بدهد، ادامه داد: صادقانه بگویم، ظاهراً ما خیلی دیر تصمیم گرفتیم. شاید باید همه این [عملیات نظامی] را زودتر شروع می‌کردیم، اما فقط امیدوار بودیم که بتوانیم آن را در چارچوب توافقات مینسک حل کنیم. وی سپس تصریح کرد که دوگانگی غرب مذاکرات آینده را پیچیده خواهد کرد: «اعتماد در حال حاضر تقریباً به

صفر رسیده است، اما پس از چنین اظهاراتی، چگونه می‌توانیم مذاکره کنیم؟ در مورد چی؟ آیا می‌توانیم با کسی توافق کنیم و تضمین‌ها کجاست؟»

57

در مجموع، بعید است که احتمال پایان جنگ اوکراین با یک توافق صلح معنادار وجود داشته باشد. در عوض احتمالاً جنگ حداقل یک سال دیگر به طول می‌انجامد و در نهایت به یک درگیری منجمد تبدیل می‌شود که ممکن است دوباره به یک جنگ تیراندازی تبدیل شود.

## عواقب

فقدان یک توافق صلح قابل دوام، پیامدهای وحشتناک مختلفی را در پی خواهد داشت. برای مثال، روابط بین روسیه و غرب احتمالاً برای آینده قابل پیش بینی عمیقاً خصمانه و خطرناک باقی خواهد ماند. هر یک از طرفین به شیطان سازی دیگری ادامه می‌دهد و در عین حال سخت تلاش می‌کند تا میزان درد و مشکلی را که برای رقیب خود ایجاد می‌کند به حداکثر برساند. این وضعیت قطعاً در صورت ادامه جنگ حاکم خواهد شد. اما حتی اگر جنگ به یک درگیری منجمد تبدیل شود، بعید است سطح خصومت بین دو طرف تغییر زیادی کند.

مسکو به دنبال بهره برداری از شکاف‌های موجود بین کشورهای اروپایی و در عین حال تلاش برای تضعیف روابط ترانس آتلانتیک و همچنین نهادهای کلیدی اروپایی مانند اتحادیه اروپا و ناتو خواهد بود. رهبران روسیه با توجه به آسیب‌هایی که جنگ به اقتصاد اروپا وارد کرده و همچنان دارد، با توجه به ناامیدی فزاینده اروپا از چشم‌انداز جنگی بی‌پایان در اوکراین و با توجه به اختلافات بین اروپا و ایالات متحده در رابطه با تجارت با چین. باید زمینه مساعدی برای ایجاد مشکل در غرب پیدا کند.

58

این دخالت طبیعتاً روسوفوبیا را در اروپا و ایالات متحده تقویت می‌کند و وضعیت بد را بدتر می‌کند.

غرب به نوبه خود تحریم‌ها را علیه مسکو حفظ خواهد کرد و روابط اقتصادی بین دو طرف را به حداقل می‌رساند، همه اینها با هدف آسیب رساندن به اقتصاد روسیه است. علاوه بر این، مطمئناً با اوکراین برای کمک به ایجاد شورش در سرزمین‌هایی که روسیه از اوکراین گرفته است، همکاری خواهد کرد. در عین حال، ایالات متحده و متحدانش به دنبال سیاست مهار سختگیرانه در قبال روسیه خواهند بود، که بسیاری معتقدند با پیوستن فنلاند و سوئد به **ناتو** و استقرار نیروهای مهم ناتو در شرق اروپا، این سیاست تقویت خواهد شد.

59

البته، غرب به وارد کردن گرجستان و اوکراین به **نا تو** متعهد باقی خواهد ماند، حتی اگر این اتفاق بعید باشد. در نهایت، ایالات متحده و نخبگان اروپایی مطمئناً شور و شوق خود را برای تقویت تغییر رژیم در مسکو و محاکمه پوتین به خاطر اقدامات روسیه در اوکراین حفظ خواهند کرد. روابط روسیه و غرب نه تنها در حرکت رو به جلو مسموم خواهد ماند، بلکه خطرناک نیز خواهد بود، زیرا احتمال تشدید تنش هسته ای یا جنگ قدرت های بزرگ بین روسیه و ایالات متحده وجود خواهد داشت.

نا بودی

**60**

اوکراین؛ اوکراین قبل از شروع جنگ در سال گذشته در مشکلات شدید اقتصادی و جمعیتی قرار داشت.

**61**

ویرانی که از زمان تهاجم روسیه به اوکراین وارد شده است وحشتناک است. بانک جهانی با بررسی رویدادهای سال اول جنگ اعلام کرد که این تهاجم "تلفات غیرقابل تصویری بر مردم اوکراین و اقتصاد این کشور وارد کرده است، با کاهش 29.2 درصدی فعالیت در سال 2022". جای تعجب نیست که کیف نیاز به تزریق انبوه کمک های خارجی دارد، فقط برای اینکه دولت در حال کار باشد، نه به مبارزه با جنگ. علاوه بر این، بانک جهانی تخمین می زند که خسارات وارده بیش از 135 میلیارد دلار است و تقریباً 411 میلیارد دلار برای با زسازی اوکراین مورد نیاز است. این گزارش گزارش می دهد که فقر از 5.5 درصد در سال 2021 به 24.1 درصد در سال 2022 افزایش یافته است و 7.1 میلیون نفر دیگر را به سمت فقر سوق داده و 15 سال پیشرفت را عقب می اندازد.

**62**

شهرها ویران شده اند، تقریباً 8 میلیون اوکراینی از کشور فرار کرده اند و حدود 7 میلیون نفر آواره داخلی هستند. سازمان ملل متحد 8490 کشته غیرنظامی را تایید کرده است، اگرچه معتقد است که تعداد واقعی "به طور قابل توجهی بیشتر" است.

**63**

و مطمئناً اوکراین بیش از 100000 تلفات میدان جنگ متحمل شده است.

آینده اوکراین تا حد زیادی تاریک به نظر می رسد. جنگ هیچ نشانه ای از پایان به این زودی ها را نشان نمی دهد، که به معنای تخریب بیشتر زیرساخت ها و مسکن، ویرانی بیشتر شهرها و شهرها، تلفات بیشتر غیرنظامیان و نظامیان و آسیب بیشتر به اقتصاد است. و نه تنها اوکراین احتمالاً قلمروهای بیشتری را به روسیه از دست خواهد داد، بلکه به گفته



کمیسیون اروپا، "جنگ اوکراین را در مسیر کاهش جمعیتی غیرقابل برگشت قرار داده است."

64

بدتر از آن، روس‌ها اضافه کاری خواهند کرد تا اوکراین را از نظر اقتصادی ضعیف و از نظر سیاسی بی‌ثبات نگه دارند. درگیری‌های جاری نیز احتمالاً به فساد دامن می‌زند، که مدت‌ها مشکل حاد بوده و گروه‌های افراطی در اوکراین را بیشتر تقویت می‌کند. تصور اینکه کیف معیارهای لازم برای پیوستن به اتحادیه اروپا یا **ناتو** را داشته باشد، دشوار است.

## سیاست آمریکا در قبال چین

جنگ اوکراین مانع آمریکا شده است تلاش برای مهار چین، که برای امنیت آمریکا از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا چین یک رقیب هم‌تا است در حالی که روسیه چنین نیست.

65

در واقع، منطق موازنه قوا می‌گوید که ایالات متحده باید با روسیه علیه چین متحد شود و تمام قوا را به سمت شرق آسیا هدایت کند. در عوض، جنگ در اوکراین پکن و مسکو را به هم نزدیک کرده است و در عین حال انگیزه‌ای قوی برای **چین** فراهم می‌کند تا مطمئن شود روسیه شکست نمی‌خورد و ایالات متحده در اروپا بسته می‌ماند و مانع از تلاش‌های این کشور برای چرخش به شرق آسیا می‌شود.

## نتیجه

اکنون باید آشکار شود که جنگ اوکراین یک فاجعه عظیم است که بعید به نظر می‌رسد به این زودی پایان یابد و زمانی که پایان یابد، نتیجه یک صلح پایدار نخواهد بود. چند کلمه در مورد اینکه چگونه غرب در این وضعیت هولناک قرار گرفت، به ترتیب است.

خرد متعارف در مورد منشاء جنگ این است که پوتین در 24 فوریه 2022 یک حمله غیرقابل تحریک را آغاز کرد که انگیزه آن برنامه بزرگ او برای ایجاد روسیه بزرگ بود. گفته می‌شود اوکراین اولین کشوری بود که او قصد داشت آن را فتح و ضمیمه کند، اما نه آخرین. همانطور که بارها گفته ام، هیچ مدرکی برای حمایت از این خط استدلال وجود ندارد، و در واقع شواهد قابل توجهی وجود دارد که مستقیماً با آن در تناقض است.

66

در حالی که تردیدی در مورد حمله روسیه به اوکراین وجود ندارد، اما دلیل نهای جنگ، تصمیم غرب بود - و در اینجا ما عمدتاً در مورد ایالات متحده صحبت می کنیم - برای تبدیل اوکراین به یک سنگر غربی در مرز روسیه. عنصر کلیدی در آن استراتژی، وارد کردن اوکراین به ناتو بود، اقدامی که نه تنها پوتین، بلکه کل نهاد سیاست خارجی روسیه آن را به عنوان یک تهدید وجودی می دانست که باید از بین می رفت.

اغلب فراموش می شود که بسیاری از سیاست گذاران و استراتژیست های آمریکایی و اروپایی از همان ابتدا با گسترش ناتو مخالف بودند، زیرا می دانستند که روس ها آن را یک تهدید می دانند و این سیاست در نهایت منجر به فاجعه می شود. لیست مخالفان شامل جورج کنان، وزیر دفاع کلینتون، ویلیام پری، و رئیس ستاد مشترک ارتش، ژنرال جان شالیکاشویلی، پل نیتز، رابرت گیتس، رابرت مک نامارا، ریچارد پایپس و جک متلوک است. چند نام ببرید .

67

در نشست سران ناتو در بخارست در آوریل 2008، نیکلا سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، با طرح رئیس جمهور جورج دبلیو بوش برای وارد کردن اوکراین به ائتلاف مخالفت کردند. مرکل بعداً گفت که مخالفت او بر این باور است که پوتین آن را به عنوان "اعلان جنگ" تفسیر می کند.

68

البته مخالفان گسترش **نا تو** درست می گفتند، اما در نبرد شکست خوردند و **نا تو** به سمت شرق حرکت کرد که در نهایت روس ها را به راه انداختن یک جنگ پیشگیرانه برانگیخت. اگر ایالات متحده و متحدانش برای شامل کردن اوکراین به **نا تو** در آوریل 2008 اقدام نمی کردند، یا می خواستند نگرانی های امنیتی مسکو را پس از آغاز بحران اوکراین در فوریه 2014 برآورده کنند، احتمالاً امروز هیچ جنگی در اوکراین و مرزهای آن رخ نمی داد. زمانی که در سال 1991 استقلال خود را به دست آورد، به نظر می رسید.

1

این مقاله به عنوان مبنایی برای گفتگوهای عمومی که من در مورد مناقشه اوکراین ارائه کرده ام یا خواهم کرد، نوشته شده است. برای مثال ببینید:

2

<https://nationalinterest.org/feature/causes-and-consequences-ukraine-crisis-203182>

<https://jmss.org/article/view/76584>

<https://harpers.org/archive/2023/06/why-are-we-in-ukraine/>

<https://nationalinterest.org/feature/course-correcting-toward-diplomacy-ukraine-crisis-204171>

## سطری چند درمورد نویسنده این مقاله:

جان جوزف میرشایمر (/ˈmɪərʃaɪmər/؛ زاده ۱۴ دسامبر ۱۹۴۷) دانشمند علوم سیاسی و محقق روابط بین‌الملل آمریکایی است که به مکتب فکری رئالیستی تعلق دارد. او استاد خدمات ممتاز *Harrison R. Wendell* در دانشگاه شیکاگو است. او به عنوان تأثیرگذارترین رئالیست نسل خود توصیف شده است. [3]

میرشایمر بیشتر به دلیل توسعه نظریه رئالیسم تهاجمی شناخته می‌شود، که تعامل بین قدرت‌های بزرگ را عمدتاً ناشی از میل منطقی برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای در یک سیستم بین‌المللی آنارشیک توصیف می‌کند. به احتمال زیاد آن را در تضاد با ایالات متحده قرار خواهد داد.

در کتاب خود در سال ۲۰۰۷، لابی اسرائیل و ایالات متحده فارین پالیسی، میرشایمر استدلال می‌کند که لابی اسرائیل نفوذ نامتناه سبی بر سیاست خارجی ایالات متحده دارد.



----- با تقدیم احترامات «06-07-2023»